

مقاله پژوهشی

بررسی مقایسه‌ای سبک زندگی متکبرین و شاكرین از منظر سوره مبارکه جاثیه (ارائه الگوی سبک زندگی سالم از منظر سوره مبارکه جاثیه)*

منصوره ابوالحسنی^۱

تاریخ دریافت: [۱۴۰۱/۷/۳]

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۱/۹/۱۸]

چکیده

یکی از موضوعات مهمی که بشر همواره در دوره‌های مختلف زندگی به آن پرداخته، مفهوم سبک زندگی است. سبک زندگی عبارت است از فرهنگ غالبی که افراد، قالب زندگیشان را بر آن مبنا پایه‌گذاری کرده و دستاوردهایی در طول زندگی از این نوع شیوه به دست می‌آورند. لذا دستیابی به سالم‌ترین سبک از اهمیت بسزایی برخوردار است. از آنجایی که قرآن از جانب خدای عزیز حکیم نازل شده و قطعاً در بردارنده محکماتی در این موضوع است، هدف از این مقاله بررسی این مفهوم در قرآن کریم بود. در این مقاله از روش تدبر واژه‌ای و سوره‌ای توأمان استفاده شده است. طی بررسی‌های به‌عمل آمده در سوره مبارکه جاثیه، نزدیک‌ترین واژه به سبک زندگی، واژه شریعت بود. خداوند ذیل آیه ۱۸ این سوره اشاره به این مسئله دارد که شریعت اسلام مسیرهای روشنی را جهت تشخیص راه‌های دستیابی به حیات طیبه در دنیا و سعادت زندگی آخرت در اختیار انسان قرار داده است. به این ترتیب بر مبنای نوع گرایش انسان‌ها به شریعت در سوره، ویژگی‌های دو گروه مؤمنین و کافرین مورد بررسی قرار گرفت که از جمع‌بندی آن‌ها، سبک زندگی مؤمنانه (شاكرانه) و کافران (متکبرانه) استخراج شدند. نتایج نشان می‌دهند که سبک زندگی این دو گروه در هیچ فرآیندی چه در زندگی دنیا و چه در آخرت با هم همسویی ندارند. ویژگی‌های قالب سبک زندگی مؤمنانه، یقین، ذکر، تفکر، تعقل، شکر، غفران و محور اثر عملکرد متکبرین بود. هم‌چنین از جمله دستاوردهای این نوع سبک زندگی می‌توان به دریافت بصیرت، هدایت و داخل شدن به جریان رحمت الهی، دریافت رزق طیب و فضل الهی، قرار گرفتن ذیل ولایت خدا و در نهایت رسیدن به فوز مبین اشاره کرد. ویژگی‌های قالب زندگی کافرین نیز عبارت بودند از استکبار، اثم و تأخیر در عمل خیر، ادبیات استهزاآمیز و غفلت. هم‌چنین نتایج و دستاوردهای این سبک، محرومیت از جریان رحمت الهی، بی‌اثر شدن اندوخته‌ها و اعمال دنیایی، بروز اختلاف در بین اقوام، ابتلا به افاک اثم، خوردن مهر بر سمع، قلب و غشاوه بر بصر، خسارت و گرفتار انواع عذاب شدن است.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، شاكر، متکبر، سبک زندگی مؤمنانه، سبک زندگی کافران

۱. دکتری رشته مشاوره، گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. Abolhasani692@gmail.com
*. این مقاله پیشتر در اولین همایش قرآن و روانشناسی در کتابچه چکیده‌ها و مقالات منتشر شده است

۱- مقدمه

سبک زندگی یکی از مفاهیم و اصطلاحاتی است که همواره در آموزه‌های دینی و قرآنی به‌طور مکرر و با الفاظ و عبارات گوناگون بکار رفته است، لیکن بشریت بخصوص در جامعه غربی در دو‌یست سال پیش موضوعی به نام سبک زندگی در محاورات روزمره خود نداشت و اساساً چنین پرسشی در آن زمان معنا نمی‌داد. ولی امروز این واژه نه تنها معنادار شده است بلکه به‌طور جدی نیز مورد توجه اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی و سایر علوم انسانی قرار گرفته است. در مورد اهمیت و جایگاه سبک زندگی همین بس که گفته شود بشر امروزی معنای خود را در این مفهوم جستجو می‌کند، به عبارت دیگر انسان‌ها خود را در شکل زندگی معنا می‌کنند، از شکل زندگی تأثیر می‌پذیرند و در همان مسیری قدم می‌گذارند که شکل زندگی آن‌ها را به آن مسیر راهنمایی می‌کند. در مفهوم سبک زندگی از ۳ رویکرد کلان جامعه‌شناسانه، روان‌شناسانه و دین‌شناسانه می‌توان نام برد. در ادبیات جامعه‌شناسی از سبک زندگی دو گونه مفهوم‌سازی متفاوت به عمل آمده است، یک‌بار معرف ثروت و موقعیت اجتماعی و بار دیگر شکل اجتماعی نوینی است که در متن تغییرات فرهنگی و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد. (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱). به این ترتیب بر اساس این طبقه‌بندی، سبک زندگی تعیین‌کننده مرزهای موقعیت و قشر اجتماعی از جنس رفتار است که تمایلات افراد را هدایت کرده و فرصت‌های زندگی و بستر بروز آن را فراهم می‌آورد (مهدوی کنی، ۱۳۸۷).

گیدنز^۱ در تعریف سبک زندگی معتقد است سبک زندگی را می‌توان مجموعه عملکردهایی تعبیر کرد که فرد آن‌ها را در زندگی به کار می‌گیرد. این عملکردها نه فقط نیازهای جاری او را برآورده می‌سازد بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خویش برمی‌گزیند در برابر دیگران مجسم می‌سازد. به این ترتیب سبک زندگی مجموعه‌ای نسبتاً منسجم از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است (گیدنز، ۱۳۸۵).

در نگاه روان‌شناسانه آدلر^۲، مفهوم سبک زندگی، تجسم کامل کلیت و شخصیت بی‌همتا و فردی زندگی است که با احساس هم‌نوع جویی در کار و عشق (مهرورزی) تجلی می‌کند (آدلر، ۱۳۷۰).

بر اساس رویکرد دین‌شناسانه که به سبک زندگی بار ارزشی و تجویزی را می‌افزاید، سبک زندگی مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان‌یافته‌ای است که متأثر از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های پذیرفته‌شده و هم‌چنین متناسب با امیال و خواسته‌های فردی و وضعیت محیطی، وجه غالب رفتاری یک فرد یا گروهی از افراد شده‌اند (شریفی، ۱۳۹۱). در همین راستا برخی از اندیشمندان حوزه دینی نیز در این رابطه تعاریف و معناشناسی‌هایی ارائه داده‌اند. به‌طور مثال آیت‌الله جوادی آملی سبک زندگی را، شیوه‌ای از زندگی می‌داند که بر الگوهای فردی مطلوب از زندگی دلالت داشته و جهان‌بینی، نگرش‌ها و ارزش‌ها، عادت‌ها، وسایل زندگی و هم‌چنین الگوهای روابط اجتماعی، اوقات فراغت و مصرف را در برمی‌گیرد. این مفهوم بیشتر بیان‌گرایانه بوده و شخص، خود را از طریق سبک زندگی به جهان اطرافش معرفی می‌کند. این بدان معناست که سبک زندگی از طریق چهره‌ها (انتخاب لباس و رفتارها)، اعمال و کردارها (انتخاب فعالیت‌های فراغتی) یا انتخاب وسایل زندگی و حتی گزینش دوستان بیان می‌شود (دیباجی و توکل‌نژاد، ۱۳۹۵). علامه طباطبایی سبک زندگی را تجلی وظایف و مسئولیت‌های زندگی می‌داند. به این ترتیب از دیدگاه ایشان وظایف انسان در ارتباط با خدا، خود و دیگران از محورهای عمده سبک زندگی است که مهم‌ترین آن در ارتباط بنده با خدا به ظهور می‌رسد. اختصاص بهترین اوقات به برقراری ارتباط با خدا در قالب نماز و نیایش، کمک‌گرفتن از نماز و روزه در مشکلات و توسل به پیامبر ﷺ و اولیای خدا، خودشناسی و داشتن روابط عاشقانه همسران در قالب اصول سه‌گانه تمکین، مودت و رحمت از جمله الگوهای رفتاری در سبک زندگی از نگاه ایشان است (آذربایجانی و فیضی، ۱۳۹۳). مصباح یزدی (۱۳۹۲) نیز سبک زندگی را رفتارهای خاصی تعریف کرده است که هر فرد برای زندگی خود برمی‌گزیند

و به رفتارهای خانوادگی فامیلی محلی، شهری، کشوری و بین‌المللی قابل اطلاق است. از این منظر می‌توان سبک زندگی را ویژگی رفتار انسان تعریف کرد و بر اساس اختلاف این ویژگی‌ها تعداد سبک‌ها را در نظر گرفت.

با بررسی همین چند تعریف مشخص می‌شود که دستیابی به سالم‌ترین سبک زندگی جهت داشتن زندگی آگاهانه و رشد‌م‌دارتر از اهمیت بسزایی برخوردار است و پژوهش‌های زیادی در ارتباط با آن بخصوص سبک زندگی اسلامی در ادبیات پژوهشی موجود یافت می‌شود. در بعضی از آن‌ها به مبانی و شاخص‌های سبک زندگی اسلامی و قرآنی پرداخته شده است مانند خطیبی و ساجدی (۱۳۹۲) که به‌مرور شاخص‌های سبک زندگی اسلامی در مطالعه خود پرداخته است. پژوهش دیگری نیز توسط اخلاقی، شرف‌الدین، صفورایی پاریزی و عزیزی‌کیا (۱۳۹۴) انجام شده است که در رابطه با مبانی انسان‌شناختی سبک زندگی طیبه از دیدگاه قرآن سخن به میان آورده است. گروه دیگری از پژوهش‌ها به ارتباط سبک زندگی قرآنی با سلامت، ورزش، ازدواج، فضای مجازی، تفکر و ... پرداخته‌اند. به‌طور مثال نعمتی (۱۳۹۹) نقش ازدواج و تشکیل خانواده در سبک زندگی قرآنی و ارتقای سلامت اجتماعی را بررسی نموده است. خورند (۱۴۰۰) نیز که به بررسی سبک زندگی قرآنی و اسلامی با تأکید بر ورزش پرداخته است. دارایی (۱۴۰۰) نیز اخیراً به بررسی رابطه سلامت‌روان و شادکامی با توجه به سبک زندگی اسلامی پرداخته و ادعا کرده است که می‌توان رابطه این دو را در این نوع سبک زندگی پیش‌بینی کرد؛ و تعداد زیادی پژوهش دیگر که نشان از علاقه و گرایش افراد برای یافتن یک سبک زندگی مؤثر می‌باشد. درعین حال آن چه که در این مقالات کمتر دیده می‌شود تلاش برای دستیابی به این مفهوم از سوره‌های قرآن به‌عنوان نقشه راه زندگی است. از آنجایی که قرآن از جانب خدای عزیز حکیم نازل‌شده، قطعاً دربردارنده محکاماتی در این موضوع است که راه نفوذ هر آسیبی را نیز مسدود می‌کند. به‌این‌ترتیب در این مقاله با هدف مطالعه سوره جائیه برای دستیابی به ویژگی و دستاوردهای انواعی از سبک زندگی، نزدیک ترین واژه به این مفهوم، واژه «شریعت» در نظر گرفته شد و با محوریت قرار دادن آن، دو گروه شاکر و مستکبر، ویژگی‌ها و دستاوردهای نوع زندگی‌شان مورد مطالعه، بررسی و مقایسه قرار گرفت.

۱-۱- توضیحاتی پیرامون سوره و ارتباط آن با سبک زندگی

سوره مبارکه جائیه به شهادت سیاقش، مکی است. غرض این سوره، دعوت عموم بشر است به دین توحید و پرهیز از عذابی که از آن انذار می‌کند. سوره، نخست با مسئله توحید آغاز می‌شود و بعد از آن که به مسئله تشریع شریعت برای رسول خدا ﷺ و اینکه بر آن جناب و بر عامه بشر لازم است از آن پیروی کنند اشاره نمود، می‌فرماید در پیش روی خود روزی را دارند که در آن روز بر طبق اعمال صالحی که انجام داده‌اند از جمله ایمان و پیروی شریعت و بر طبق گناهانی که کرده‌اند از جمله اعراض از دین و غیره، محاسبه خواهند شد. آن‌گاه پیشامدهایی را که هر یک از این دو طایفه در قیامت دارند ذکر می‌کند. البته در خلال این بیانات، انذار شدید و تهدید سختی به مستکبرین که از آیات خدا اعراض می‌کنند و نیز به کسانی که هوای نفس خود را معبود گرفته‌اند، در عین این‌که به گمراهی خود عالم بودند و در نتیجه خدا نیز آنان را گمراه کرد، هشدار می‌دهد.^۱ به‌این‌ترتیب مشاهده می‌شود که خود سوره دسته‌بندی از دو گروه مردم که گروهی پیرو شریعت هستند و گروهی دیگر اعراض‌کننده از آن، سخن به میان آورده است. لذا بررسی منش و ویژگی‌های هر کدام از این دسته‌ها نشان‌دهنده سبک و سیاق ایشان در زندگی خواهد بود.

پیرو آیه ۱۸ سوره، خداوند به حضرت رسول ﷺ دستور می‌دهد که از شریعتی از امر یعنی شریعت اسلام تبعیت کند.^۲ واژه «شریعت» از ریشه «شرع» و به معنای انشاء (به وجود آوردن) مسیر واضحی مادی یا معنوی است. به‌این‌ترتیب شرع، احداث راهی آشکار یا از سوی خدای تعالی که حق است و یا از سوی شیاطین - بدون اذن الهی - که باطل است می‌باشد، هم‌چنان که دین هم می‌تواند حق یا

۱. ترجمه تفسیر المیزان.

۲. ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ.

باطل باشد^۱؛ و اما واژه «شریعت» از منظر مفردات المیزان عبارت است از طریقه‌ای خاص که برای امتی از امت‌ها و یا پیامبری از پیامبران مبعوث به شریعت تعیین و آماده شده باشد، مانند شریعت نوح و شریعت ابراهیم و شریعت موسی و شریعت عیسی و شریعت محمد ﷺ. در ادامه در آیه ۲۰ نیز به این موضوع اشاره شده است که شریعت اسلام، بصیرت‌هایی برای مردم دارد که با آن تشخیص می‌دهند که چه راهی از راه‌های زندگی را طی کنند تا به حیات طیب در دنیا و سعادت زندگی آخرت برسند. به عبارتی شریعت اسلام هدایت و رحمتی است برای مردمی که به آیات خدا یقین دارند^۲ و در آیه ۲۱ بر متفاوت بودن حیات و ممات مؤمنین (شاکرین) و غیر مؤمنین (متکبرین) اشاره کرده و بیان می‌دارد که سبک زندگی این دو دسته از افراد کاملاً از هم متفاوت است^۳. به این ترتیب سیاق کلی سوره از قوم کافر به عنوان متکبرین و از قوم مؤمن به عنوان شاکرین یاد کرده است؛ بنابراین پژوهش حاضر درصدد است برای آشنایی بیشتر با منش و سبک زندگی این دو قوم و امکان الگوگیری یا عدم الگوگیری از ایشان، ویژگی‌های این دو سبک را از منظر سوره مبارکه جائیه مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. با توجه به مکی بودن سوره، این که در محتوای آن به بررسی سبک زندگی و منش گروه‌هایی از افراد با ویژگی‌های خاص پرداخته شده باشد، دور از ذهن نیست چراکه سیاق سوره‌های مکی به بیان آسیب‌های جامعه پیش از اسلام پرداخته و برای هر کدام از آن‌ها راه‌کاری بر مبنای دستورات اسلام داده است. لذا سوره بر آن است تا مسلمانان را به این سمت هدایت کند که قبل از ورود به جامعه اسلامی، به نوعی سبک و منش فردی اسلامی دست یابند تا با ورود به جامعه، این منش رنگ و بوی اجتماعی نیز پیدا کند. همان‌طور که پیش‌ازین نیز بیان شد، خداوند متعال سبک زندگی این دو گروه را کاملاً از هم تفکیک کرده است. به این ترتیب هدف مقاله پیش رو، شناخت و مقایسه این دو سبک از منظرهای زیر است:

۱. استخراج ویژگی‌های سبک زندگی شاکرین و متکبرین.

۲. استخراج دستاوردهای سبک زندگی شاکرین و متکبرین.

۲- روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع کیفی و به روش تدبّر واژه‌ای و سوره‌ای انجام شد. تدبّر سوره‌ای عبارت از بررسی یکپارچه یک سوره و به دست آوردن موضوعات اصلی و فرعی آن برای دریافت و کشف غرض هدایتی آن است. غرضی که خداوند بر اساس رحمت خود آن را برای هدایت خلق نازل کرده است. بدین ترتیب منظور از مطالعه سوره‌ای قرآن نزدیک شدن به فضای منحصر به فردی است که هر سوره ایجاد می‌کند و بر آن اساس رزقی را در اختیار او قرار داده که نسبت به بقیه رزق‌ها متفاوت است و رشد، تعالی و رفعت بیشتری را در اختیار انسان می‌گذارد (اخوت، ۱۳۹۲).

۱. التحقیق فی گلمات قرآن الکریم

۲. هَذَا بَصِيرَةٌ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

۳. أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَ مَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

در تفسیر المیزان آمده است که: "ساء ما یحکمون" این جمله، پندار مذکور آنان را رد می‌کند و می‌فرماید: اینکه پنداشتند و حکم کردند که حیات و ممات مؤمنان صالح و کسانی که مرتکب گناه می‌شوند یکسان است، حکم بدی است که کرده‌اند. و بدی حکم کنایه از بطلان آن است. پس این دو طائفه نه در حیات مثل همند، و نه در ممات. اما اینکه در حیات برابر نیستند، برای اینکه اشخاصی که دارای ایمان و عمل صالح هستند، طریقه زندگی شان را با بصیرت سلوک می‌کنند، و در راه زندگی دارای هدایت و رحمتی از ناحیه پروردگار خویشند (هم‌چنان که در آیه قبلی فرموده بود) ولی آدم بدکار دستش از این بصیرت و هدایت و رحمت تهی است. اما اینکه این دو طایفه در مرگ مساوی نیستند، برای این است که همان‌طور که برهان‌های روشن شهادت می‌دهد مرگ، انعدام و بطلان نفس انسانیت نیست و آن‌طور که مبطلین می‌پندارند که آدمی بعد از مردن به کلی نابود می‌شود نمی‌باشد، بلکه مردن عبارت است از برگشتن به سوی خدای سبحان و انتقال از سرای دنیا به سرایی دیگر. از سرایی ناپایدار به سرایی پایدار و جاودان. سرایی که مؤمن صالح در آن قرین سعادت و نعمت و دیگران در شقاوت و عذاب زندگی می‌کنند.

به این ترتیب آیات سوره مطالعه، موضوع‌بندی و دسته‌بندی شدند. یکی از راه‌های دسته‌بندی موضوعی، طبقه‌بندی آیات سوره بر اساس جریان حق و شبه جریان باطل است که می‌توان با توجه به واژگان کلیدی هر جریان، یک عنوان برای آن انتخاب و کل سوره را با توجه به آن مطالعه کرد. بر این اساس، ابتدا سوره مبارکه جائیه انتخاب و پس از تدبر در آیات آن همراه با مطالعه تفسیرالمیزان، آیات ۱۹ و ۲۰ به عنوان آیات غرر برای بررسی شریعت یا سبک زندگی و دو کلمه «شاکرین» و «متکبرین» با توجه به روح حاکم بر سوره انتخاب شدند. آیات ذیل دسته‌بندی جریان حق، همان آیات مربوط به شاکرین است که ویژگی‌ها و سبک زندگی‌شان را توصیف می‌کند و آیات ذیل شبه جریان باطل نیز همان آیات مربوط به متکبرین است که ویژگی‌ها و سبک زندگی‌شان را توصیف می‌کند. این دریافت، پس از دسته‌بندی آیات مربوط به ویژگی‌های دو گروه و بررسی مؤلفه‌های هر کدام از این دسته‌ها بدست آمده و سپس ارتباط مؤلفه‌های متکبرین و شاکرین با غرض کلی سوره داده شد.

۳- یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر در ۴ دسته زیر و در قالب نمودار نشان داده شده‌اند:

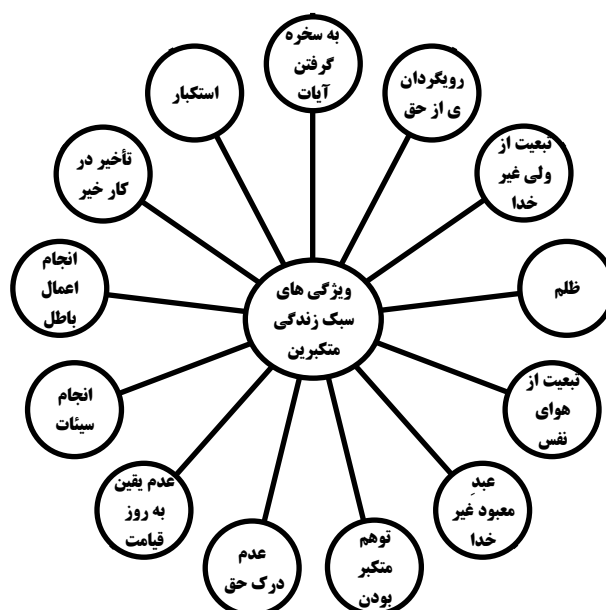
۱. ویژگی‌های سبک زندگی متکبرین
۲. دستاوردهای حاصل از سبک زندگی متکبرانه
۳. ویژگی‌های سبک زندگی شاکرین
۴. دستاوردهای حاصل از سبک زندگی شاکرانه

همچنین هر کدام از این دسته‌ها در قسمت نتیجه‌گیری مورد بحث و بررسی بیشتر قرار خواهند گرفت.

۳-۱- سبک زندگی متکبرین

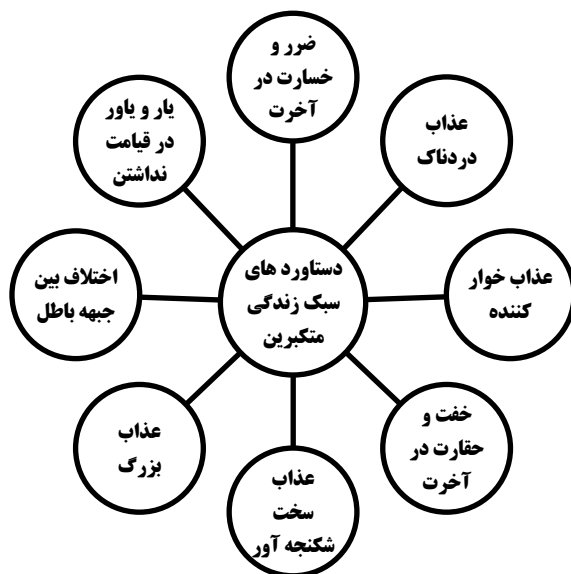
در نمودار ۱ ویژگی‌های منطبق بر سبک زندگی متکبرین از منظر سوره مبارکه جائیه بیان شده‌اند.

نمودار ۱- ویژگی‌های سبک زندگی متکبرین



همچنین براساس نمودار ۲ دستاوردها و نتایج حاصل از این نوع سبک زندگی از منظر سوره مبارکه جائیه قابل مشاهده است.

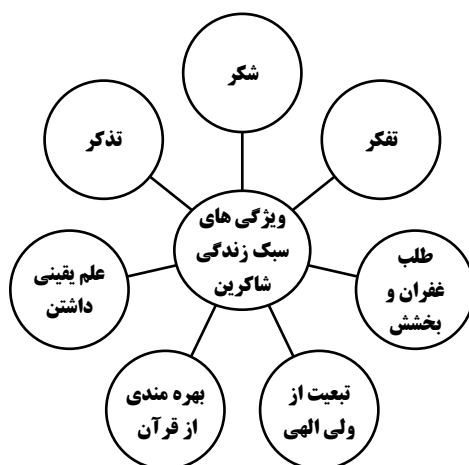
نمودار ۲ - دستاوردهای سبک زندگی متکبرین



۳-۲- سبک زندگی شاکرین

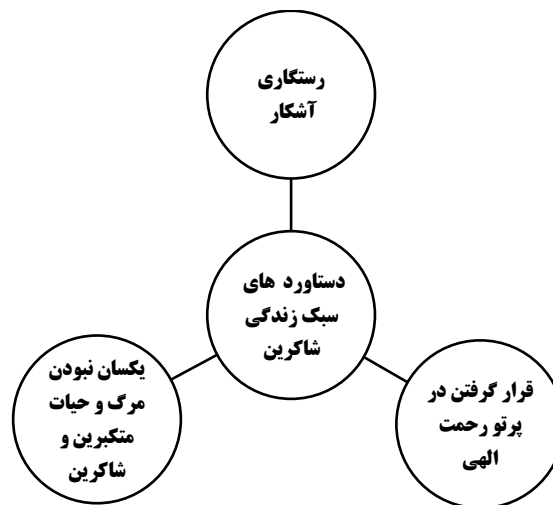
براساس نمودار ۳ ویژگی‌های منطبق بر سبک زندگی شاکرین از منظر سوره مبارکه جائیه بیان شده‌اند:

نمودار ۳- ویژگی‌های سبک زندگی شاکرین



همچنین براساس نمودار ۴ دستاوردها و نتایج حاصل از این نوع سبک زندگی از منظر سوره مبارکه جائیه قابل مشاهده است.

نمودار ۴- دستاوردهای سبک زندگی شاکرین



۴- بحث و نتیجه‌گیری

مسئله اصلی این تحقیق، بررسی مقایسه‌ای سبک زندگی متکبرین و شاکرین و ارائه الگوی سبک زندگی سالم از منظر سوره مبارکه جاثیه بود. بدیهی است که سبک زندگی هر فرد با فرد دیگر متفاوت بوده و این تفاوت ناشی از اختلاف در جهان‌بینی، ارزش‌ها، عادات، روابط اجتماعی و دیگر اجزای زندگی هر فرد است. انواع سبک زندگی اقوام و نظام‌های مختلف حق و باطل در متقن‌ترین کتاب الهی یعنی قرآن کریم جمع‌آوری شده است که بر همین اساس، ویژگی‌های سبک زندگی دسته مؤمنین و دسته کافرین و دستاوردهای این دو نوع سبک زندگی، از منظر سوره مبارکه جاثیه استخراج و مشخص شد که هر انسانی می‌بایست براساس امر خداوند، شیوه زندگی خود را بررسی کرده و به شیوه زندگی رسول خدا نزدیک کند و از سبک زندگی غیر الهی دوری کند؛ زیرا رفتارها و باورها و عملکردهای او در دنیا، آخرت او را نیز می‌سازد. در ادامه به بحث و بررسی هر از یک از ویژگی‌های این دو نوع سبک زندگی پرداخته شده است:

۴-۱- ویژگی‌های سبک زندگی متکبرین

یکی از دسته‌بندی‌هایی که سوره از افراد دارد کافرین است که بنا به اقتضای ویژگی‌های مطرح‌شده، در این مقاله به‌عنوان متکبرین از ایشان یاد می‌شود. از آنجاکه کفر و پوشاندگی در مقابل ایمان قرار گرفته و انسان را در معرض آسیب‌های مختلف علمی، عملی و عاطفی قرار می‌دهد، بررسی مفهوم کفر در شکل‌دادن به سایر ویژگی‌های این افراد اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. کفر، در لغت پوشاندن است؛ از این‌رو عرب، شب را؛ که اشیاء را می‌پوشاند و کشاورزان را که بذرها را در زمین پنهان می‌سازند و نیز برگ‌هایی که میوه‌های درختان را می‌پوشانند، «کافر» می‌نامد (راغب اصفهانی، ۱۳۳۲). مطابق با آیات قرآن کریم، کفر حالتی است که بر قلب عارض شده و آن را نسبت به ذکر و یاد خدا بی‌تفاوت و یا دارای واکنش منفی می‌کند^۱. به عبارت دیگر کفر حالتی از پوشش است که فرد را از دستیابی به حقایق بازداشته و نور فطرت را در او می‌پوشاند. انواع گناهان و تبعیت‌هایی که خلاف حق است نیز موجب پوشش و کفر فطرت شده، یقین را از بین برده و توان ایمان و اتکای به خدا را نیز از فرد سلب می‌کند. به این ترتیب می‌توان گفت کفر اولین و آخرین مانع برای

۱. سوره انبیا آیه ۳۶، سوره فرقان آیه ۵۰ و ...

یقین (از ویژگی‌های شاكرین) است. اولین به دلیل مقدمه بودن آن و آخرین مانع نیز به دلیل نتیجه همه گناهان و نافرمانی‌هاست (اخوت، ۱۳۹۶).

۴-۲- روی گردانی از حق

براساس آیه ۶ سوره یکی از ویژگی‌های کافران این است که با شنیدن آیات حق، از آن روی گردانده و اعراض می‌کنند. اعراض از حق دارای علت‌ها و منشاءهایی درونی است که برخی از این عوامل را می‌توان در عدم امید به لقای خدا، رضایت و اطمینان به حیات دنیا و غفلت از نشانه‌های حق دانست.^۱ هم‌چنین اعراض از حق عواقب و تبعاتی دنیایی و آخرتی چون دچار شدن به زندگی و معیشت سخت و تنگ^۲، سدشدن ادراکات و از بین رفتن امکان هدایت^۳، گرفتاری به انواع عذاب‌های دنیایی و قیامتی^۴ و افزایش گمراهی توسط القائنات شیطان^۵ را در پی دارد. (اخوت، ۱۳۹۳)

۴-۳- تأخیر در کار خیر

۴-۴- استکبار

آیات ۷ و ۸ سوره به دو ویژگی تأخیر در کار خیر و استکبار در کافری اشاره دارد. واژه «افک» به معنای روی گرداندن از حق و واقعیت است که به این ترتیب فرد از جریان طبیعی رشد و کمال عقلی دور می‌شود. به عبارت دیگر فرد متکبر با اعمال و منشی که در زندگی خود دارد، درنهایت به درجه‌ای از کذب می‌رسد که خود را از جریان حق دور و محروم می‌کند. این دور شدن پس از عرضه شدن حق بر ایشان اتفاق می‌افتد به این معنا که حق بر او عرضه می‌شود یعنی سخن حق را همانند دیگران می‌شنود اما از روی کبر و پافشاری بر آن، طوری رفتار می‌کند که گویی این آیات را نشنیده است. واژه «اثم» نیز به معنی تأخیر انداختن در عمل خیر است؛ بنابراین افک اثم کسی است که با شنیدن آیات الهی، آن را انکار می‌کند و با این کار، از انجام کار خیر باز می‌ماند و رشد و کمال خود را آنقدر به عقب می‌اندازد که هر لحظه به هلاکت نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود.

استکبار نیز به معنی طلب بزرگی و عظمت کردن است. استکبار، نوعی رذیلت قلبی و نفسانی است و خوی استکباری، ویژگی اصلی مستکبران است. کافران را نیز بدان جهت که عناد نموده و مستکبران که حقیقتی را می‌پوشانند، کافر می‌نامند (امامی، ۱۳۹۷). با توجه به سیاق سوره، قبل از بیان ویژگی‌ها و سبک زندگی افراد متکبر، آن‌ها را افاک اثم وصف کرده است؛ گویی نام و مرتبه نهایی آن‌ها پس از افاک اثم، استکبار ورزیدن است و البته چون سیاق آیه، حالت نفرین دارد به نظر می‌رسد که می‌توان این مورد را جزء نتایج و دستاورهای تکبر نیز به حساب آورد که در این صورت به واسطه اعراضی که داشتند تا ابد از خیر دور می‌مانند که این خود شکلی از عذاب برایشان است.

۱. سوره یونس آیه ۷

۲. سوره طه آیه ۱۲۴

۳. سوره کهف آیه ۵۷

۴. سوره فصلت آیات ۱۵ و ۱۶

۵. سوره نحل آیه ۶۳، سوره انعام آیه ۱۲۱، سوره حج آیه ۴

۴-۵- استهزاء و به سخره گرفتن آیات

براساس آیه ۹ سوره، از دیگر افعال متکبرین، ادبیات استهزاء آمیز ایشان در برابر آیات و نشانه‌های الهی است که این کار با علم صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر آیات قرآن را در حالی مورد تمسخر قرار می‌دهند که به آیه بودن آن، اذعان دارند. این مسئله نشان‌دهنده آن است که مسخره کردن می‌تواند یکی از راه‌های بروز تکبر در انسان باشد؛ بنابراین نگاه‌داری کلام از این حیث که رنگ و بوی تمسخر به خود نگیرد از راه‌های مراقبت از تکبر است. استهزاء به معنای طرد کردن، در وهله اول از طرد در باورها و عقاید و ادراکات شروع می‌شود و به تدریج دامنه آن گسترده شده و درونیات و افعال و اعمال فرد را در برمی‌گیرد. درواقع وقتی کسی چیزی را دور می‌اندازد در تمام ساختار وجودی خود، این فعل را مرتکب می‌شود. در این صورت تمایل ندارد که راجع به آن فکر کرده و یا آن را در ناحیه علم و باور خود بیاورد و یا رایحه‌ای از صفت و فعل آن در وجودش تحقق یابد و یا در عمل کاری را انجام دهد که با آنچه طرد کرده نسبتی داشته باشد. (اخوت، ۱۳۹۳)

۴-۶- تبعیت از ولی غیر خدا

۴-۷- ظلم و تبعیت از ظالم

براساس آیه ۱۰ سوره، متکبران ولی خود را غیر خدا می‌گیرند؛ یعنی کسانی را غیر از خداوند دوست دارند و به آن‌ها احساس نزدیکی می‌کنند و از برنامه‌های آن‌ها در هر جهتی پیروی می‌کنند و نصر و یاری را نیز از آن‌ها می‌خواهند و کم‌کم هم‌سو با زندگی آن‌ها، تبدیل به همین افراد می‌شوند.

۴-۸- تبعیت از هوای نفس

۴-۹- عبدِ معبود غیر خدا

براساس آیات ۱۶ تا ۱۹ خداوند، مصداق یک قوم متکبر و علل تکبر و ویژگی‌هایی که ممکن است منجر به تکبر شود را بیان می‌کند. یکی از این علل، نعمت زیاد است چراکه این فراوانی نعمت، فرد متکبر را از شکرگزاری نسبت به خداوند غافل کرده و باعث می‌شود در برابر حق، موضع‌گیری کند و در ارتباط با احکام و دستورات الهی، با دیگران اختلاف کند تا مبادا موردی به ضرر ایشان و باعث از بین رفتن عزت و جلالشان شود و همین مسئله نشان‌دهنده علم ایشان به حقانیت آیات است اما تکبر و منفعت‌طلبی، مانع تمکین از این علم می‌شود و چون علم ایشان منبعی از وحی ندارد و متکی بر هواهای نفسانی است باعث انحراف و جدایی‌شان از حق شده است.

۴-۱۰- عدم درک حق

براساس آیه ۲۳ سوره، «وَ خَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً» به منزله عطف تفسیری است برای جمله «وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ»؛ و «ختم بر سمع و قلب» مهر بر گوش و دل‌زدن است، به‌طوری‌که دیگر، حق را نشنود و تعقل نکند و «غشاه» قرار دادن بر بصر» این است که دیگر حق را، یعنی آیات خدا را نبیند؛ و حاصل همه این‌ها این است که گوش و قلب و چشم اثر خود را (که همان التزام به حقی است که درک می‌کند) نداشته باشد و استکبار و پیروی هوای نفس به او اجازه پذیرش حق را ندهد. هم‌چنین معبود متکبر،

خواسته‌های نامشروع اوست. به همین دلیل است که خداوند بر گوش و قلب او مهر می‌زند و بر چشم دل او پرده‌ای قرار می‌دهد که باعث می‌شود علم لازم برای درک ربوبیت خداوند را نداشته باشند^۱.

۴-۱۱- توهّم متکبر بودن

براساس آیات ۳۶ و ۳۷، افراد متکبر، متکبر واقعی نیستند. چراکه صفت کبر ملازم با صفت ربوبیت الهی است یا به عبارتی کسی می‌تواند کبر واقعی داشته باشد که ربوبیت هم داشته باشد؛ بنابراین طبق آیه ۲۳ از آنجایی که اینان برگوش و قلب شان مهر خورده و قابلیت درک صفت ربوبیت الهی را هم ندارند لذا هم‌چنان در این توهّم باقی مانده‌اند که ایشان نیز متکبر هستند.

۴-۱۲- عدم یقین به روز قیامت

در مقابل صفت یقینی که شاکرین نسبت به خداوند در زندگی خودشان دارند، براساس آیه ۳۲ سوره، کافرین جنس علمشان از جنس ظن است و نمی‌توانند از نعمت یقین و آثاری که بر آن مترتب است بهره‌مند باشند. ظن به معنای فقدان علم قطعی نسبت به چیزی است. هر چند ظن به‌خودی‌خود در قرآن مذموم نیست زیرا طبیعی است که انسان نسبت به اموری علم قطعی نداشته باشد ولی در قرآن تبعیت از ظن مورد تأیید نیست زیرا برخلاف یقین است و خداوند برای انسان تبعیت از احکام محکم و قواعد یقینی را لازم دانسته است. (اخوت، ۱۳۹۶).

۴-۱۳- انجام سیئات

۴-۱۴- انجام اعمال باطل

علامه طباطبایی در باب سیئه می‌فرماید: این کلمه به حادثه یا عملی اطلاق می‌گردد که در آن زشتی باشد. لذا گاهی به مصائب و حوادث بدی که برای انسان اتفاق می‌افتد، اطلاق می‌گردد. مطابق با آیه ۲۱ سوره این دسته از گناهان که متکبرین انجام می‌دهند به‌عنوان یکی از اعمالی است که منجر به تفاوتی عمیق در سبک و شیوه زندگی و حتی مرگ ایشان با شاکرین شده و حتی ظن و گمانشان هم بر مشابه تصور کردنشان با آنها، تأثیری در تبدیل نشدن این اعمال به خسروانی باطل برایشان نخواهد داشت.

۴-۱۵- دستاوردهای سبک زندگی متکبرین

پیرو مطالبی که تاکنون مطرح شد هر سبک زندگی آثار و نتایجی دارد که در ادامه به بیان این آثار ذیل سبک زندگی متکبرانه از منظر سوره جائیه پرداخته شده است.

از نتایج عمده این نوع سبک زندگی در سوره به انواع مختلفی از عذاب اشاره شده است. به نظر می‌آید این مسئله هم‌راستا با مفهوم واژه عذب به معنی هر چیز خلاف و ناسازگار با طبع است. به عبارت دیگر فرد کافر به واسطه نوع منشی که در زندگی انتخاب کرده و منجر به دوری از فطرتش شده، تبعاتی را برای خود رقم می‌زند که با طبع و ذائقه فطری او سازگار نیست.

۴-۱۶- انواع عذاب

۴-۱۶-۱- عذاب دردناک

در آیه ۸ سوره برای افاک اثیمی که سخن حق را می‌شنود اما از آن روی‌گردان می‌شود و بر استکبار خود اصرار می‌ورزد، عذابی الیم در نظر گفته شده است.

۴-۱۶-۲- عذاب خوارکننده

در آیه ۹ هزء مطلق بدون توجه به جهتش، تحقیر را نشان می‌دهد و می‌تواند در قول و عمل بروز پیدا کند و در ادامه می‌فرماید: **أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ** - چنین کسانی عذابی مهین دارند، یعنی عذابی ذلیل‌کننده؛ و اگر عذاب را به این صفت توصیف فرمود، برای این است که در مقابل استکبار و خودپرستی آنان و استهزاءشان قرار گیرد.^۱

۴-۱۶-۳- عذاب عظیم

علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان ذیل آیه ۱۰ سوره، مفهوم عظیم را در تقابل با حقیر معنا کرده و معتقدند این نوع عذاب نشان‌دهنده آن است که علیرغم حقارت ایشان که آیات الهی را تحقیر کردند، خدا آنان را با عظمتش عذاب می‌کند و به نوعی می‌تواند بر آیه آخر سوره نیز دلالت داشته باشد که این عظمتی که خداوند با آن متکبرین را عذاب می‌کند، ناظر بر ربوبیت و متکبربودن خداست در برابر حقارت و کوچکی‌ای که این افراد علیرغم تصور باطل‌شان بر کبر داشتند. این نشانه تأکید بر عذاب است که دائم تکرار می‌کند. جمله **«وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»** تأکید همان وعید و تهدیدی است که در جمله **«وَيَلْ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ»** و هم در جمله **«فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»** و بار سوم در جمله **«أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»** و بار چهارم در جمله **«مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ»** و بار پنجم در جمله **«وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»** داده بود، که در خلال این پنج جمله فهمانده بود که عذابشان هم الیم است و هم مهین و هم عظیم.

۴-۱۶-۴- عذاب سخت شکنجه‌آور

در آیه ۱۱ سوره ظاهراً عذاب الیم را به نوعی در مقام جمع‌بندی این نوع عذاب‌ها مطرح کرده است. این آیه، از طرفی متکبر را همان انسان کافر معرفی می‌کند و در تعریف عاقبت چنین سبکی از زندگی که اختلاطی از کفر و تکبر است، می‌فرماید: **لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رَجْزٍ أَلِيمٍ**. کلمه «رجز» - به‌طوری‌که گفته‌اند - به معنای شدیدترین عذاب است و در اصل مطابق با مفهوم اضطراب معنا می‌شود. به‌این ترتیب این آیه شریفه در مقام رد آن نسبیتی است که به قرآن دادند و آن را با استهزاء خود خوار شمردند و خلاصه، تهدید کسانی است که به آیات خدا کفر می‌ورزند.^۲

۱. ترجمه تفسیر المیزان در معنای مهین، تحقیر نهفته است و این عذاب، متناسب با تحقیری است که کافرین در دنیا در برابر آیات الهی داشتند.

۲. ترجمه تفسیر المیزان.

۴-۱۶-۵- اختلاف در جبهه باطل

در ادامه آیات، شروع به بیان انواع دیگری از عذاب‌ها می‌کند. نکته مهم در اینجا آن است که هر ویژگی و عملکردی که متکبران در نوع زندگی کردن خود دارند، آنان را با نتیجه و عذابی هم در دنیا و هم در آخرت روبرو می‌کند. بعضی از نتایج این نوع زندگی‌ها در همین دنیا ذیل آیه ۱۷ سوره، بروز اختلافات میان خودشان و سختی‌هایی که با این اختلافات در زندگی‌هایشان پدید می‌آید مطرح شده است.

۴-۱۶-۶- ضرر و خسارت در آخرت

راغب معنای کلمه «خسر» و «خسران» را کم شدن سرمایه بیان کرده است که هم به فعل انسان و هم به دستاوردهای خارج از او نسبت داده می‌شود مانند مال و جاه که بیشتر استعمالش هم همین موارد است. هم‌چنین به دستاوردهای نفسی و معنوی نیز مانند صحت، سلامت، عقل، ایمان و ثواب نیز اطلاق می‌شود که این قسم خسران همان است که خدای تعالی آن را «خسران مبین» نامیده است. آنگاه تأکید می‌کند هر خسرانی که خدای تعالی در قرآن ذکر کرده به همین معنای اخیر است، نه خسران به معنای دستاوردهای مالی و تجارتي. «ابطال» نیز به معنای فاسد کردن و از بین بردن چیزی است، چه این‌که آن چیز حق باشد و چه باطل و در قرآن هر دو موردش بیان شده است؛^۱ بنابراین این آیه نتیجه شیوه زندگی کافران را در آخرت نوعی خسران بیان می‌کند که کلیه دستاوردهای آن باطل و پوچ است و به نظر می‌رسد استفاده از عبارت یخسر المبطون نیز به جهت تأکید بیشتر بر بی‌ثمری کامل این نوع سبک زندگی مورد استفاده قرار گرفته است.

۴-۱۶-۷- خفت و حقارت در آخرت

علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان ذیل آیه ۲۸ سوره، کلمه «جاثیه» را اسم فاعل از مصدر «جثو» گرفته است؛ و «جثو» به معنای نشستن بر روی شتر است؛ و معنای آیه آن است که تو و هر بیننده دیگری می‌بینید هر امت از امت‌ها را که بر روی زانو می‌نشینند، به حالت خضوع و ترس و هر امتی به سوی کتاب مخصوص به خودش، یعنی نامه اعمالش دعوت می‌شود و به ایشان گفته می‌شود امروز به عنوان جزاء، همان‌هایی که شما داده می‌شود که انجام داده‌اید و از ظاهر این آیه استفاده می‌شود که در روز قیامت علاوه بر نامه عملی که فرد فرد انسان‌ها دارند، هر امتی هم نامه عملی مخصوص به خود دارد و این نوع بیان به معنای نوعی عذابی خوارشونده در روز قیامت برای انسان‌های متکبر است. چراکه در معرض دیدگان همه به خفت و حقارت دچار می‌شوند (جاثیه) و آن‌هم در برابر خداوند متکبر.

۴-۱۶-۸- یار و یاور نداشتن در قیامت

آیات ۳۲ تا ۳۴ سوره در مورد کسانی صحبت می‌کند که در دنیا به گونه‌ای زندگی می‌کنند که گویی به روز قیامت یقین ندارند و آن را فراموش کرده‌اند و در نتیجه در دنیا به جای تبعیت از اوامر خداوند، از هوای نفس خود پیروی می‌کنند. این‌گونه افراد در قیامت به واسطه این نوع عملکردشان هیچ یاور و یآوری نخواهند داشت.

۱. ترجمه تفسیر المیزان

۴-۱۷-۱ ویژگی‌های سبک زندگی شاکرین

زندگی مؤمنانه، سبک زندگی مخصوص به خود را دارد و این نوع زندگی از نظر ماهوی از زندگی غیرمؤمنانه متمایز است. علاوه بر این موضوع مهم و اساسی لازم است تأکید شود که مقدرات این افراد از نظر تقدیرات ربوبی نیز متفاوت و متمایز است. تمایز مقدرات باعث فراهم شدن عرصه‌های جدیدی برای ابراز ایمان و عمل صالح و نیز توفیق برای دستیابی به قرب، رضایت، سرور، حمد و ... می‌گردد به این ترتیب شاکله جریان حق به واسطه جاری شدن کوثر در زندگی پدیدار شده و سبک زندگی و مرگ انسان را متمایز می‌سازد (اخوت، ۱۳۹۴). این ویژگی‌ها براساس سوره مبارکه جاثیه عبارتند از:

۴-۱۷-۱-۱ شکر

شکر در لغت به معنای ظاهر و آشکار ساختن و قدردانی در مقابل نعمتی است که از ناحیه نعمت دهنده به انسان می‌رسد و مقابل آن کفران و پوشاندن نعمت است (مصطفوی، ۱۳۶۸). هم‌چنین مطابق با آیه ۱۲ سوره لقمان به استفاده بهینه از استعدادها و توان‌ها و نعمت‌ها برای رسیدن به سعادت انسانی نیز شکر گفته می‌شود. به این ترتیب شکر موجب توسعه وجودی انسان شاکر و کفر موجب محرومیت او خواهد شد (اخوت، ۱۳۹۶).

در تحقیقی که مصلائی‌پور و تاجیک در ارتباط با حوزه معنایی شکر در قرآن انجام داده‌اند به این نتیجه رسیدند که مفهوم شکر در بستر ارتباط انسان نسبت به خداوند متعال یا به معنای سپاسگزاری به عنوان یکی از مؤلفه‌های اخلاقی در مقابل شرک صغیر و تبعاً کفران نعمت است و یا به معنای سطحی از سطوح ایمان نسبت به خداوند متعال در تقابل با سطحی از شرک و کذب و تبعاً در تقابل با کفر در حوزه مفاهیم اعتقادی است. در کتاب‌های لغت و وجوه قرآن اکثر مشتقات کفر را در جایی که در تقابل با شکر آمده است و به معنای کفران نعمت آورده‌اند (مصلائی‌پور و تاجیک، ۱۳۹۳).

۴-۱۷-۲ تفکر

در برخی از سوره‌های قرآن از جمله سوره مبارکه جاثیه که مورد پژوهش در مقاله پیش‌رو است، به مراحل و مراتب تفکر و ارتباط آن با سایر عناصر ساختار وجودی انسان اشاره شده است. خداوند ساختار انسان را به گونه‌ای خلق کرده است که می‌تواند با بهره‌گرفتن از تفکر و تعقلش مسیر حق را شناخته و خود را به حق متصل کند. در این صورت طبع ساختار وجودی انسان به ارتقای وصل و برخورداری از حیات بالاتر است (اخوت و قاسمی، ۱۳۹۴). صباغ کرمانی در مقاله خود به بررسی تفکر اسلامی پرداخته و از جمله شرایط تفکر صحیح را محتوای فکر و شیوه فکرکردن می‌داند و معتقد است که مثبت یا منفی فکرکردن می‌تواند محتوای فکر را جهت داده و فرد را به گمراهی یا هدایت برساند (صباغ کرمانی، ۱۳۹۵). از طرف دیگر فعال‌شدن تفکر موجب می‌شود تا علم در درون فرد جریان یابد، به‌ویژه تفکری که بتواند تصدیق را نیز در درون او فعال سازد (اخوت، ۱۳۹۴) به این ترتیب در آیات ۱۲ و ۱۳ سوره، خداوند ویژگی جالبی را برای شاکرین مطرح می‌کند و آن، تسخیر آسمان‌ها و زمین برای ایشان است. چنان‌که گویی تنها ایشان هستند که از این فضل و رزق الهی بهره‌مند هستند و در انتهای آیه می‌فرماید در تسخیر این امور نشانه‌هایی هست برای متفکرین که از همین‌جا می‌توان استناد کرد به این‌که ویژگی دیگر شاکرین، بهره‌مندی از تفکر است. علامه طباطبایی در تفسیر شریف‌المیزان ذیل این آیات منظور از انسان را در این آیه، نوع انسان بیان دانسته که همه آسمان‌ها و زمین مسخر اوست اما بیشتر به متقین می‌خورد چون در آیات پیشین گفته بود که این آیات و نشانه‌ها (که می‌تواند زمین و آسمان را هم در برگیرد) بر متکبرین هم عرضه می‌شود اما آنان از این‌ها درست

استفاده نمی‌کنند و تفکر هم نمی‌کنند، چون با تفکر است که معنای تسخیر و غایت آن مشخص می‌شود. البته مهم است که بدانیم کسانی که تکبر دارند نمی‌توانند تفکر کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴).

توضیح آن‌که تفکر در علم روز به معنای کشف روابط و ارتباطات است اما در قرآن اینگونه نیست. قرآن تفکر را کشف نیازهای حقیقی معنا می‌کند که در این صورت اصلاً امکان ندارد یک فرد متکبر بتواند نیازهای حقیقی‌اش را دریابد.

۴-۱۷-۳- طلب غفران و بخشش

براساس آیه ۱۴، واژه غفران به معنای محو اثر است. متکبرین یا کسانی که به ایام الله باور و امید ندارند، با اعمال خود در این عالم تبعاتی ایجاد می‌کنند که شاکرین می‌بایست از طریق طلب غفران، این تبعات را از بین برده و جبران کنند. به عنوان مثال از ظلمی که بر آن‌ها شده است گذشت کنند. به این ترتیب وظیفه شاکران، برپایی نظام غفران در آفرینش است.

۴-۱۷-۴- علم یقینی داشتن

یقین در لغت به معنای از بین رفتن شک و در قرآن به عنوان غایت عبودیت بیان شده است. بر مبنای آیه ۹۹ سوره مبارکه حجر خداوند از بنده‌ای خرسند است که شاکر باشد و شکر نعمت معرفت و ایمان، علم به صفات و اسماء خدا به گونه‌ای است که هیچ جای خالی دیگری برای آن تصور نشده و در اثر حوادث و ابتلائات از کارکرد خود نیافتد و به ضعف گراییده نشود. به همین دلیل است که اهل بیت علیهم‌السلام نیز غایت ایمان را یقین دانسته‌اند.^۱

یقین هم چنین منشأ فعال شدن همه ساختارهای وجودی انسان است زیرا فهم ثابت بودن حق و توجه و اتکای به آن پایه شکوفایی همه توانمندی‌های درونی اوست. به این ترتیب یقین اساس شکل‌گیری تفکر در انسان است، زیرا اگر تفکر با رجوع به حق و حقایق انجام نشود به علم حقیقی دست نمی‌یابد؛ و نیز اساس شکل‌گیری تعقل در انسان است زیرا اگر عقل نتواند حقیقتی را مشاهده کند توسط خواهش‌های نفسانی اسیر می‌شود. اساس شکل‌گیری ایمان است زیرا اگر فرد به محکمی متصل نباشد نمی‌تواند به چیزی اعتماد کند. یقین در هر انسانی با فطرت می‌آید و در صورت بهادادن به فطرت استقرار یافته و تقویت می‌شود و در صورت کنارزده شدن فطرت ضعیف شده و به انواع شک‌آلوده می‌گردد. لذا رجس و آلودگی‌هایی که در انسان نفوذ می‌کند در اثر فقدان یقین است و فرد به همان اندازه که فاقد یقین باشد به دنیا و لهو و لعب می‌گراید. به این ترتیب با توجه به ویژگی موقنین می‌توان گفت انسان مؤمن در مسیر یقین دارای ویژگی‌های متعددی می‌شود و باورها و رفتارهای شایسته‌ای در او شکوفا می‌گردد (اخوت، ۱۳۹۶).

۴-۱۷-۵- بصیرت و بهره‌مندی از قرآن

طبق آیه ۲۰ سوره، از شاکرین به یوقنین تعبیر شده است و یوقنین کسانی هستند که علمی درونی دارند که شک در آن وارد نشده و موجب سکونت و آرامش ایشان می‌گردد. این یقین همان بصیرتی است که به وسیله آن، شریعت نازل شده بر پیامبر را درک می‌کنند و می‌توانند سبک زندگی‌شان را تشخیص داده و در آن مسیر حرکت کنند. وسیله این بصیرت نیز همان قرآن است. به این ترتیب می‌توان گفت که شکر بر وجود نعمت شریعت (سبک زندگی) یا قرآن، یقین به بصیرت‌آور، هدایت‌آور و رحمت‌آور بودن آن است به طوری که سبک زندگی مد نظر قرآن را در زندگی اجرا کند.

۱. قال علی علیه‌السلام غایه الایمان الایقان.

به این ترتیب یکی از مهم‌ترین موضوعات زندگی انسان که در سبک زندگی‌اش به شدت مؤثر است وجود بصیرت یا فقدان آن است، زیرا با وجود بصیرت، انتخاب‌های زندگی به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. فرد به میزان بینایی‌اش از مشاهده افق‌ها، اهداف، مسیرها، راهبردها، توانمندی‌ها، امکانات و مواقف خطر و بهره‌مند شده و به سمت انتخاب‌های صحیح، منطقی و الهی سوق داده می‌شود. به همین منوال فقدان بینایی به‌طور طبیعی باعث انتخاب‌های ناصواب می‌گردد تا جایی که فرد به دلیل نداشتن ایمان هیچ گزینه صحیحی را نمی‌تواند انتخاب کند (اخوت، ۱۳۹۴). به این ترتیب یقین چهره زندگی انسان و مقدرات او را متحول می‌سازد. این تحول هم ناظر به تغییر رویکرد زندگی است و هم ناظر به ارتباطات با دیگران و بصیرتی است که فرد در زندگی می‌یابد. به همین دلیل یکی از نشانه‌های یقین در زندگی، بصیرت فرد است که او را از افراد دیگر متمایز می‌کند (اخوت، ۱۳۹۶، ص ۲۰۰).

۴-۱۷-۵- تذکر

یکی از جلوه‌های حقیقت که در زندگی انسان پایه و اساس یقین است موضوع ذکر است. ذکر همان حقیقتی است که موجب اتصال انسان و یا موجود با خداوند می‌شود. پدیداری ذکر در فرد به‌طور قطع فرد را اهل یقین کرده و فقدان آن نیز یقین را به شک و انکار مبدل می‌کند (اخوت، ۱۳۹۶). هم‌چنین ذکر و دوری از غفلت و نسیان، شرایط استفاده صحیح از نعمت‌ها را برای انسان مؤمن فراهم ساخته و منجر به شکر نعمت‌ها می‌شود. هم‌چنین غفلت و نسیان پروردگار نیز منجر به فراموشی خود و نعمت‌ها شده و موجبات کفر را فراهم می‌آورد (اخوت، ۱۳۹۷). شاید به همین دلیل باشد که در آیه ۲۳ سوره نیز از شاکرین با عنوان متذکرین یاد شده است. ذکری که باعث پدید آمدن صفت شکر در ایشان شده و در مقابل غفلت و بی‌توجهی متکبرین نسبت به آیات الهی، منشأ پدید آمدن تکبر در ایشان شده است. به این ترتیب به نظر می‌رسد خداوند در این آیات، راه دستیابی به سبک زندگی هر دو گروه را شرح داده و بیان می‌دارد که انسان با داشتن چه صفاتی به زندگی متکبرانه و با داشتن چه صفاتی به زندگی شاکرانه دست پیدا می‌کند؛ و در نهایت باید گفت در قرآن به‌طور کلی جایگاه ذکر در زندگی در حکم حیات و روح در نظر گرفته شده است. به این معنا که به‌اندازه جاری شدنش فرد را از حیات متنعم کرده و به‌اندازه نبودنش فرد از حیات محروم می‌ماند.^۱

۴-۱۷-۶- تبعیت از ولی الهی

براساس آیات ۳۶ تا ۴۳ سوره مبارکه شوری شرط پذیرش ولایت الهی قرار گرفتن در مسیر صفات شایسته است. پیرو این موضوع در آیه ۱۹ سوره جاثیه از شاکرین با صفت متقین یاد شده است، به این معنا که متقین به سبب تبعیت از دین الهی، خداوند ولی و سرپرست آن‌ها می‌شود اما کسانی که از هوای نفس خود پیروی می‌کنند، خدای تعالی ولی آن‌ها نیست، بلکه آن‌ها خودشان ولی یکدیگرند، چون ستمکارند و ستمکاران ولی یکدیگرند. به این ترتیب به نظر می‌رسد برای تقویت توکلی که ایمان و یقین را در فرد افزایش می‌دهد شناخت ولی حق ضروری است و بدون آن توکل و ایمان در فرد به وجود نمی‌آید. برخی از نکات مهم و کاربردی در این زمینه عبارت‌اند از:

اول این‌که در صورتی که انسان از ولایت خدا دوری کند خود را در معرض ولایت اولیائی غیر لایق قرار می‌دهد و به تدریج بر ظلم و سوء او افزوده می‌شود. در این صورت نصرت و حمایت‌های هدایت آفرین قطع می‌شود. دوم پذیرش ولایت خداوند موجب نزول رحمت و دور شدن از عذاب الهی می‌شود. پذیرفتن ولایت خدا ولو به‌صورت همگانی صورت نگیرد، موجب جلب رحمت خاص

۱. برخی از آیاتی که می‌تواند این جایگاه را به خوبی تبیین کند به شرح زیر است: ذکر عامل اطمینان قلب (رعد ۲۸) / ذکر عامل منفعت (ذاریات ۵۵) / ذکر عامل خشوع و حیات (حدید ۱۶) (معناشناسی ایمان، ۱۱۲ و ۱۱۳).

خدا می‌گردد و حمایت، کفایت و نصرت خدا را در برخواهد داشت و حیات معنوی را نصیب فرد خواهد کرد. این موضوع در ساختار ولایت طاغوت نیز به همین ترتیب است. کسانی که به ولی طاغوت وفادارترند می‌توانند انحرافات بیشتری را به وجود آورند. لذا همان طور که در ایمان به خدا نور و روح خدا بر فرد نازل می‌شود کسی که به طاغوت اعتماد کند و خود را تابع او نماید از القائنات غیبی شیطان به انحراف بیشتری می‌رسد. (اخوت، ۱۳۹۶).

۴-۱۸- دستاوردهای سبک زندگی شاکرین

۴-۱۸-۱- رستگاری آشکار

کلماتی چون فلاح و فوز به نتیجه‌بخش بودن جهاد و کوشش و کفایت نفع دلالت دارد. به این ترتیب از دستاوردهای مهم شاکرین دستیابی به این نتایج است که به اعمال و مراقبت‌های ایشان در فرآیند سبک زندگی‌شان اشاره دارد.

۴-۱۸-۲- قرار گرفتن در پرتو رحمت الهی

براساس آیه ۳۰ سوره، شاکرین در آخرت مورد افاضه رحمت الهی قرار می‌گیرند و بهشت و رستگاری روشنی برای آن‌هاست که همه این‌ها در نتیجه ایمان و عمل صالح و دیگر مؤلفه‌های سبک زندگی شاکرانه در دنیا است.

۴-۱۸-۳- یکسان نبودن مرگ و حیات متکبرین و شاکرین

و در نهایت براساس آیه ۲۱ سوره و جمع‌بندی مطالبی که تاکنون به آن‌ها اشاره شد باید گفت حیات شاکرین با حیات متکبرین برابر نیست. شاکرین دارای ایمان و عمل صالح بر مبنای سبک زندگی شاکرانه هستند. از دیگر مؤلفه‌های زندگی شاکرانه شاکر بودن، متفکر بودن، طلب غفران و بخشش، تبعیت از ولی الهی، علم یقینی داشتن و بهره‌مندی از قرآن، متذکر بودن بود که دستاورد آن‌ها در آخرت؛ رستگاری و قرار گرفتن در رحمت الهی، یکسان نبودن مرگ و حیات متکبرین و شاکرین است. درحالی‌که حیات متکبرین بر مبنای ظالم بودن و تبعیت از هوای نفس، عبادت معبود غیر خدا، دروغ‌گویی، تکبرکردن و تأخیر در کار خیر، استهزاء آیات خداوند و ولی غیر خدا گرفتن و انجام سیئات بود و در نتیجه، اعمال آن‌ها لغو و بیهوده است که اگر جز این بود، عاقبت آن‌ها در آخرت، «عذاب الیم» و «عذاب عظیم» و «عذاب من رجز الیم» و «عذاب مهین» و خسران در آخرت و خفت و حقارت در آخرت نمی‌بود. به این ترتیب هر عملی، نتیجه‌ای در بردارد و کسی که دارای حیات و سبک زندگی شاکرانه است، دارای موتی شاکرانه و کسی که دارای حیات و سبک زندگی متکبرانه است نیز دارای موتی متکبرانه خواهد بود.

در نهایت باید گفت طبق سوره مبارکه دهر (انسان) خداوند انسان را از نطفه‌ای با استعدادهای مختلف خلق کرده است و او را در شرایط هدایت قرار داده که می‌تواند شاکرانه یا کافرانه زندگی کند. زندگی شاکرانه زندگی همراه با عبودیت با هر توان و ظرفیتی است؛ و زندگی کافرانه زندگی آشفته‌ای است که توان عبودیت انسان در آن فعال نمی‌شود و به همین دلیل باعث تشتت او در زندگی می‌گردد. اصطلاح سبک زندگی نیز برای توصیف شرایط زندگی انسان استفاده می‌شود. سبک‌های زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها را در برمی‌گیرد. هم‌چنان‌که غربی‌ها بر اساس مبانی، رهیافت‌ها و نظام‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خودشان به مفهوم‌سازی سبک زندگی پرداخته‌اند، شایسته است تا مسلمانان نیز بر اساس آموزه‌های دینی و شرایط اجتماعی خود سبک زندگی خاص خود را داشته باشند. در همین راستا شریفی، خاکرند و برهانی (۱۴۰۰) نیز مبنای سبک زندگی صحیح اسلامی را همان جوهر اصلی و حیات طیبه‌ای معرفی می‌کنند که در ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی جامعه انسانی نمایان می‌شود. به این ترتیب می‌توان گفت سبک زندگی اسلامی در «حیات طیبه» حیاتی جدید، غیر از آن حیاتی است که دیگران زندگی می‌کنند و درواقع سبک زندگی اسلامی در حیات طیبه، زندگی حقیقی و واقعی با هدف الهی و اخروی است که به خوبی در سوره مبارکه جائیه عناصر و ویژگی‌های آن در تقابل با سبک زندگی مشرکانه تبیین شد.

۵- تقدیر و تشکر

باتشکر از کسانی که در انجام این پژوهش یاری رساندند.

۶- منابع

۱- قرآن کریم

- ۲- اباذری، یوسف، و چاوشیان، حسن. (۱۳۸۱). از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی، رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی. *نشریه‌نامه علوم اجتماعی*، ۲(۱۰)، ۲۷-۳۰
- ۳- آدلر، آلفرد. (۱۳۷۰). روان‌شناسی فردی. ترجمه حسن زمانی شرفشاهی. تهران: انتشارات تصویر.
- ۴- آذربایجانی، مسعود، فیضی، مجتبی. (۱۳۹۳). سبک زندگی از منظر علامه طباطبائی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله
- ۵- اخلاقی، حلیمه، شرف‌الدین، حسین، صفورایی پاریزی، محمدمهدی، و عزیزی کیا، غلامعلی. (۱۳۹۴). مبانی انسان‌شناختی سبک زندگی طیبیه از دیدگاه قرآن. *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، ۵(۲)، ۳۷-۹
- ۶- اخوت، احمدرضا. (۱۳۹۲). روش‌های تدبیر سوره‌ای. تهران: نشر قرآن و اهل بیت نبوت.
- ۷- اخوت، احمدرضا. (۱۳۹۳). معناشناسی ایمان. تهران: انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت
- ۸- اخوت، احمدرضا. (۱۳۹۶). یقین و شک. تهران: انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت
- ۹- اخوت، احمدرضا. (۱۳۹۴). فرآیندشناسی ایمان. تهران: انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت
- ۱۰- اخوت، احمدرضا، و قاسمی، مریم. (۱۳۹۴). شاکله جریان (سبک زندگی کوثرانه). تهران: انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت
- ۱۱- اخوت، احمدرضا. (۱۳۹۷). تبیین عناصر ساختار وجودی انسان. تهران: انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت
- ۱۲- اخوت، احمدرضا. (۱۳۹۶). ساختار برنامه‌ریزی. تهران: انتشارات قرآن و اهل بیت نبوت
- ۱۳- امامی، مرتضی. (۱۳۹۷). تمایز ویژگی‌های کفر و انکار در مستکبران از نگاه قرآن. یازدهمین همایش بین‌المللی پژوهش‌های قرآنی
- ۱۴- خطیبی، حسین، و ساجدی، ابوالفضل. (۱۳۹۲). مروری بر شاخص‌های سبک زندگی اسلامی. *نشریه معرفت*، ۱۸۵، ۱۴-۲۶
- ۱۵- خورند، محمدتقی. (۱۴۰۰). قرآن و سبک زندگی اسلامی با تأکید بر فعالیت‌های ورزشی. *پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن و انکاره‌های علوم زیستی*، ۲، ۱۷۱-۱۷۵
- ۱۶- دارایی، مهری. (۱۴۰۰). پیش‌بینی سلامت روان و شادکامی بر اساس سبک زندگی اسلامی. *مجله پیشرفت نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۳۶، ۱۹۸-۲۰۸
- ۱۷- دیباجی، محمدمعلی، و توکل نژاد، مهدی. (۱۳۹۵). بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی دینی از منظر آیت‌الله جوادی آملی و امکان بازنمایی آن در رسانه‌های مدرن. *پژوهش‌نامه سبک زندگی*، ۲، ۷-۳۲
- ۱۸- راغب اصفهانی، حسین. (۱۳۳۲). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن. ترجمه سید محمد گیلانی. تهران: انتشارات المکتبه المرتضویه.

۱۹- شریفی، احمدحسین. (۱۳۹۱)، سبک زندگی به‌عنوان شاخصی برای ارزیابی سطح ایمان. نشریه معرفت فرهنگی/اجتماعی، ۳(۳)، ۶۱-۴۹.

۲۰- شریفی، محمد، خاکرند، شکراله، و برهانی، صدرالاسلام. (۱۴۰۰). مبنای حیات طیبه به‌عنوان سبک زندگی مطلوب اسلامی. سومین کنفرانس بین‌المللی توسعه و ترویج علوم انسانی و مدیریت در جامعه.

۲۱- صباغ کرمانی، لیدا. (۱۳۹۵). سبک تفکر اسلامی مقدمه سبک زندگی اسلامی. همایش کنگره پیشگامان پیشرفت ۱۰، ۶۵۹-۶۶۵.

۲۲- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه: موسوی همدانی، محمد. قم: جامعه مدرسین قم

۲۳- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). تجدد و تشخص. ترجمه موفقیان، ناصر. تهران: نشر نی.

۲۴- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۲). اولویت تحقق سبک زندگی اسلامی. نشریه معرفت، ۲(۲۲)، ۵-۱۴.

۲۵- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۶- مصلائی پور، عباس، و تاجیک، الهه. (۱۳۹۳). حوزه معنایی شکر در قرآن. دو فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، ۸(۱۵)، ۱۹۷-۲۲۰.

۲۷- مهدوی کنی، محمدسعید. (۱۳۸۷). مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی. فصلنامه تحقیقات فرهنگ، ۱(۱)، ۱۹۹-۲۳۰.

۲۳۰.

۲۸- نعمتی، نرجس. (۱۳۹۹). نقش ازدواج و تشکیل خانواده در سبک زندگی قرآنی و ارتقای سلامت اجتماعی. همایش قرآن و سلامت

اجتماعی، ۱۱۵۹-۱۱۸۱.

Examining the comparisons of the arrogant and grateful people's lifestyles from the perspective of Surah Mubarak Jathiyeh (Presentation array of the healthy lifestyle model from the point of view of Surah Mubarak Jathiya)

Mansoureh Abolhasani¹

Abstract

One of the important topics that humans have always dealt with in different periods of life is the concept of lifestyle. Lifestyle is the dominant culture that people base their life on and gain achievements during their life from this type of method. Therefore, achieving the healthiest style is very important. Since the Qur'an was revealed by the dear and wise God and it contains provisions on this subject that block the way of any harm, the purpose of this article was to examine this concept in the Holy Qur'an. In this article, the word and surah method of thinking together is used. According to the investigations carried out in Surah Jathiyah, the closest word to lifestyle is the word, Sharia. God refers to the issue under verse 18 of this sura that Islamic law has provided clear paths to identify the ways to achieve a good life in this world and happiness in the afterlife. In this way, the characteristics of the two groups of believers and disbelievers in the Surah were examined, and from their summation, the lifestyles of believers (grateful) and disbelievers (arrogant) were extracted. The results show that the lifestyles of these two groups do not align with each other in any process, both in this world and in the hereafter. The characteristics of the religious lifestyle format were certainty, remembrance, thinking, rationalization, gratitude, forgiveness, and erasing the effect of arrogant actions. Also, among the achievements of this type of lifestyle, we can mention receiving insight, guidance and entering into the flow of divine mercy, receiving good sustenance and divine grace, coming under the guidance of God, and finally reaching a clear victory. The characteristics of the unbelievers' lifestyle were arrogance, guilt, delay in doing good, sarcastic literature, and negligence. Also, the results and achievements of this style, deprivation of the flow of divine mercy, the ineffectiveness of worldly savings and actions, the appearance of differences among ethnic groups, suffering from evil eyes, eating seal overhearing, heart and membrane oversight, damage and suffering from all kinds of torment.

Keywords: Lifestyle, Grateful, Arrogant, Religious lifestyle, Unbelieving lifestyle.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)

1. PhD in Counseling, Department of Counseling, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.
Abolhasani692@gmail.com